

# بررسی تزئینات هنر خاچکار (چلیپا سنگ) در معماری کلیسای سنت استپانوس جلفا

## چکیده

کلیسای سنت استپانوس مقدس در شانزده کیلومتری غرب شهرستان جلفا، نزدیک رود ارس در استان آذربایجان شرقی واقع شده است. این کلیسا یکی از زیباترین و مشهورترین کلیساهای ارمنیان در جهان می‌باشد که از نظر تزئینات و هنر معماری از جمله بناهای با ارزش ایران به شمار می‌رود. با توجه به ابعاد مختلف هنر معماری در این کلیسا که بیانگر سبک اورارتویی می‌باشد، سعی شده است در این مقاله با معرفی هنر حجاری خاچکار (چلیپا سنگ)، به شرح و توصیف این هنر پرداخته و با توجه به ترجمه بعضی از متون حک شده بر روی این آثار به اهمیت تاریخی آن پرداخته شود. روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از داده‌های تاریخی، منابع کتابخانه‌ای، اسناد، سنگ نوشته‌ها، تصاویر و مشاهدات میدانی گردآوری و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

**کلید واژه ها:** خاچکار، معماری اورارتویی، استپانوس مقدس، داراشامب، جلفا.

کلیسای تاریخی سنت استپانوس<sup>۱</sup> در حدود ۱۶ کیلومتری غربی شهر مرزی جُلغا و به فاصله ۳ کیلومتری از کرانه جنوبی رود ارس (آراکسس)<sup>۲</sup> در قسمت شرقی استان آذربایجان شرقی ایران و در قلب کوه‌ها و در میان طبیعت سبز منطقه مرزی جلفا و جمهوری آذربایجان (نخجوان) قرار گرفته است. از لحاظ تاریخی این کلیسا دومین کلیسای مهم آرامنه ایران بعد از قره کلیسا می‌باشد. اگر چه این کلیسا بطور کامل در طرف دیگر رودخانه قرار دارد ولی در بعضی از دوره‌های تاریخی به منطقه سیونیک<sup>۳</sup> (Hofrichter, 1980:7) نسبت داده شده است.<sup>۴</sup> (Hofrichter, 1980:5)

به منظور شناسایی این کلیسا (صومعه) از دیگر کلیساهای هم نام، به این مسئله می‌توان اشاره کرد که این کلیسا در بیشتر مواقع همراه با نام یک موقعیت جغرافیایی ذکر می‌شود. این کلیسا در قدیم با نام «ماقارت»<sup>۵</sup> شناخته می‌شد و این نام بر گرفته از نام تپه‌ای است که بر روی آن ساخته شده، همچنین در برخی از متون با نام «داراشامب»<sup>۶</sup> یا «دره شام» ذکر شده که در واقع نام روستایی است در فاصله ۴ کیلومتری از محل کلیسا. روستای داراشامب در کنار یکی از شاخه‌های فرعی رود ارس به نام «اک تاچای»<sup>۷</sup> در دهستان گچلرات<sup>۸</sup> بخش پلدشت شهرستان ماکو که در گذشته ارمنی‌نشین بوده واقع شده است و تنها کلیسای آجری آن، متعلق به سده‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی است و همچنین دارای گورستان تاریخی است که از گذشته‌های دور بر جای مانده است. که در حال حاضر این روستا مخروبه و خالی از سکنه می‌باشد.<sup>۹</sup> (خامچی، ۱۳۷۰:۱۵۵)

نام کلیسا از نام نخستین شهید آیین مسیحیت، استپانوس قدیس گرفته شده است و این کلیسا به نام‌های دیگر از جمله دیر یا صومعه استپانوس، استپانوس قدیس، وانک<sup>۱۰</sup> (سیستانی، ۱۳۷۹: ۷۴) استپانوس قدیس، وانک ماقارت<sup>۱۱</sup> (هویان، ۱۳۷۸: ۵۹)، سن استپانوس، سنت استپانوس نیز نامیده می‌شود و البته برخی از ارمنیان آن را سورپ استپانوس ناخاوکا<sup>۱۲</sup> نیز می‌نامند.

## تاریخ بنای کلیسا

تاریخ بنای کلیسای استپانوس قدیس به درستی مشخص نیست. بیشتر پژوهشگران تاریخ بنای آن را در سده‌های هفتم تا نهم میلادی دانسته‌اند. بعضی نیز گفته‌اند که قدیمی‌ترین سند، مربوط به سال ۶۴۹ میلادی است که

<sup>۱</sup> - St.Stepanos(Stephanos)

<sup>۲</sup> - Araxes

<sup>۳</sup> - سیونیک (Siounik)، استانی از کشور ارمنستان است با مرکزیت شهر کاپان که تنها استان ارمنی هم مرز با ایران می‌باشد. (رک: Hofrichter, 1980, pag7)

<sup>۴</sup> - Hofrichter, Hartmut, II convent di S.Stefano The St.Stephen monastery, 1980, pag 5.

<sup>۵</sup> - Maghart

<sup>۶</sup> - Darashamb

<sup>۷</sup> - Ok-Tchai

<sup>۸</sup> - Gejlarat

<sup>۹</sup> - خامچی، بهروز، فرهنگ جغرافیایی آذربایجان شرقی، سروش، ۱۳۷۰، ص ۱۵۵.

<sup>۱۰</sup> - وانک، واژه ارمنی و به مجتمع کلیسایی مشتمل بر مدرسه علوم دینی و بخش مسکنی روحانیان و طلاب اطلاق می‌شود. (رک: سیستانی، افشار، "کلیسای استپانوس قدیس" مجله پیمان، شماره ۱۰ و ۹، ۱۳۷۹، ص ۷۴).

<sup>۱۱</sup> - وانک استپانوس مقدس چون در دامنه کوه های ماقارت قرار گرفته، در دوره تصرف اعراب به وانک ماقارت شهرت یافت. (رک: هویان، ۱۳۷۸، ص ۵۹)

<sup>۱۲</sup> - ناخاوکا، یک واژه ارمنی و به معنی نخستین شاهد مسیحیت می‌باشد.

از وجود دیری در این ناحیه خبر می‌دهد. برخی دیگر بدون توجه به رویدادهای تاریخی و پیشینه دگرگونی شیوه معماری، بنای آن را به نخستین سده‌های میلادی دانسته‌اند.

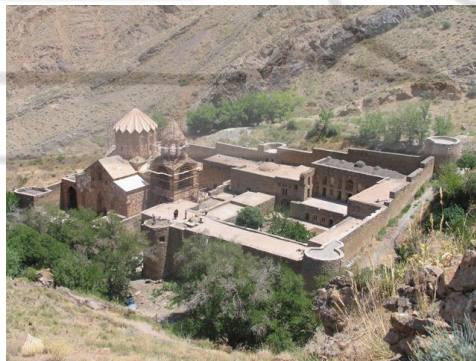
در کتاب معجم البلدان<sup>۱۳</sup> آمده است که دیری به نام اکمن یا دیرالمن در بالای کوهی نزدیک جودی (آارات)<sup>۱۴</sup> (نفیسی، ۱۳۸۳: ۲۳۲)

بوده است. شماری نیز، چون تاورنیه<sup>۱۵</sup>، زمان بنای کلیسا را به میانه دوران صفوی نسبت داده‌اند. بعضی بر این باورند که این کلیسا متعلق به سده هشتم هجری قمری است، در صورتی که نشانه‌های تاریخی، شیوه بنا، مصالح ساختمانی، تزئینات هنری، همه بیانگر این است که بنای کلیسای استپانوس قدیس، همانند و همزمان با کلیساهایی چون آختامار و تادئوس به وجود آمده است (سده‌های چهارم تا ششم هجری یا دهم تا دوازدهم میلادی). بر پایه روایت‌های مذهبی مسیحی، این دیبر را بارتولمه قدیس که یکی از حواریون حضرت مسیح بود پی نهاده است.

### معماری وانگ استپانوس مقدس

سبک معماری کلیسا آمیزه‌ای از شیوه‌های هنر معماری اورارتویی<sup>۱۶</sup> (راوندی، ۱۳۴۰: ۱۵۹) اشکانی و رومی است که به شیوه ارمنی مشهور است.<sup>۱۷</sup> (مخلص، ۱۳۷۱: ۱۹۰) برخی نیز بر این باور هستند که معماری آن آمیزه‌ای از سبک رومی و ایرانی باستان است.

در معماری اورارتویی، به ماهیت معماری حصار و استحکامات آن توجه ویژه‌ای شده است، در این سبک با توجه به شرایط آب و هوایی منطقه از جمله بارش شدید برف و باران در طول فصول سال و همچنین با توجه به اینکه در هنگام ساخت بنا با زیربنای کوهستانی مواجه هستند، می‌بایست از شرایط و سبک خاص تبعیت کنند. در معماری اورارتویی این دو مسئله دقیقاً به شکلی از طریق نوع زیرسازی دیوارها، تأسیسات بناها در پستی و بلندی زمین و همچنین از طریق پی سازی سنگ برای برپا کردن دیوارهای خشتی، حل شده است.<sup>۱۸</sup> (کلایس، ۱۳۷۵: ۸۶)



نمایی از کلیسای سنت استپانوس مقدس، عکس از نگارنده

<sup>۱۳</sup> مُعْجَمُ الْبُلْدَانِ کتابی است در جغرافیا نوشته ابوعبدالله یاقوت حموی رومی بغدادی، متولد ۵۷۴ ق.

<sup>۱۴</sup> این منطقه در کوه‌های آارات قرار داشته، که شراب آنجا معروف بوده و می‌گفتند خمار نمی‌آورده است. (رک: نفیسی، سعید، مسیحیت در ایران تا صدر اسلام، ۱۳۸۳، ص ۲۳۲).

<sup>۱۵</sup> ژان باتیست تاورنیه (۱۰۱۴-۱۱۰۰/ق ۱۶۰۵-۱۶۸۹م)، جهانگرد و بازرگان معروف فرانسوی است که در عصر صفوی بارها به ایران و مشرق زمین سفر کرده است. سفرنامه او در شرح وقایع دوره صفویه دارای اهمیت بسیار است.

<sup>۱۶</sup> (اورارتو) نام تمدنی در عصر آهن است. بر پایه انجیل به پادشاهی وان و نیز پادشاهی آارات نیز گفته می‌شود. گستره جغرافیایی حکومت این تمدن در اطراف دریاچه ارومیه دریاچه وان، و بلندی‌های ارمنستان قرار داشت. (مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۱، ۱۳۴۰، ص ۱۵۹)

<sup>۱۷</sup> - مخلص، محمدعلی، "فهرست بناهای تاریخی آذربایجان"، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۱، ص ۱۹۰.

<sup>۱۸</sup> کلایس، ولفرام، ترجمه نجد سمیعی، فرامرز، "معماری اورارتویی"، فصلنامه علمی ترویجی اثر، دوره ۱۷، شماره ۲۶ و ۲۷، سال ۶-۱۳۷۵، ص ۸۶.

به طور کلی بخش عمده بنای حاضر را می‌توان به سده هفدهم میلادی نسبت داد. کلیسای اصلی این مجموعه از معدود بناهای گنبددار متعلق به این دوره و از نوع سبک باسیلیکای گنبددار محسوب می‌شود.<sup>۱۹</sup> (سیمونی، ۱۳۸۹: ۹۱) وانک استپانوس مقدس دارای سطحی مستطیل شکل است به ابعاد  $۷۱/۷ \times ۴۸/۳$  متر و مساحت آن ۳۴۶۳ متر مربع می‌باشد، پیرامون وانک بارویی عریض و مرتفع با سنگ لاشه و ملات گل کشیده شده است. این باروی دژ مانند دارای هفت برج است که چهار برج در چهارگوشه آن، یک برج در وسط باروی شرقی و دو برج در اواسط باروی غربی و در دو سوی در ورودی به فاصله ۸ متر از یکدیگر ساخته شده‌اند، در این قسمت بخشی از باروی ضلع غربی وانک ۸ متر عقب‌تر ساخته شده و نیز در ورودی مجموعه در این قسمت قرار دارد. دو برجی که در این قسمت ساخته‌اند، می‌توانند به خوبی از در ورودی و محوطه جلوی آن محافظت نمایند.

### خاچکارها (چلیپاسنگ)

خاچکار به زبان ارمنی نام سنگهایی است که بر روی آنها نقش صلیب کنده شده و هزاران عدد از آنها در سراسر ارمنستان پراکنده است. کلمه "خاچ" به ارمنی یعنی صلیب یا چلیپا و کلمه "کار" یعنی سنگ، پس خاچکار را می‌توان در فارسی به چلیپاسنگ ترجمه نمود.<sup>۲۰</sup> (اولوبابیان، ۱۳۸۴: ۲۵ - ۳۷) همچنین نقش صلیب با شکلی بصورت چهار بازوی مساوی به عنوان یکی از نقوش تزئینی بازمانده از آثار اقوام گذشته می‌باشد. این نماد در زمینه‌های مختلف و در فرهنگ‌های پیش از دوران مسیحیت، در مقام نقش تزئینی جایگاه ویژه‌ای داشت که از آن به عنوان نماد چهار عنصر اصلی جهان یعنی باد، آب، خاک و آتش می‌توان نام برد. آثار باستانی صلیب که به دوران ما رسیده به صورت‌های مختلفی است از جمله صلیب سنگی با بازوهای مساوی و دیگر اینکه به شکل نقش صلیب درون یک دایره<sup>۲۱</sup> می‌باشد. این گونه نقش‌های صلیب در معابد پیش از مسیحیت و سنگ‌های بناهای مختلف به ویژه بر سرستون‌ها دیده شده‌اند.



ظرف سفال، تزئین شده با نقوش هندسی و صلیب، منطقه جغرافیایی ایران، قدمت ۱۰۰۰ تا ۶۰۰ پیش از میلاد، نگهداری در موزه Smithsonian واشنگتن.

در دوران اولیه مسیحیت، ظاهراً بر مبنای سنت تصلیب مسیح، صلیب کاربرد وسیع پیدا کرد و به منزله نشان مقدس و نماد آرمان‌های کیش و دیانت نو شد. در منابع ارمنی اطلاعات موثقی موجود است مبنی بر آنکه مبلغان دیانت نو در محل معابد تخریب شده دیر کهن و در میدان‌ها و بر جاده‌ها به نشانه پیروزی دیانت نو صلیب‌های چوبی قرار می‌دادند، اما صلیب چوبی دوام چندانی نداشت و ناگزیر باید جایگزینی برای دوام آن در نظر می‌گرفتند. در اینجا بود که با توجه به تجربه سده‌های گذشته دوران

<sup>۱۹</sup> - سیمونی، ۱۳۸۹، صفحه ۹۱.

<sup>۲۰</sup> اولوبابیان، باگران، "چلیپاسنگ یا خاچکار"، ترجمه ادوارد هاروتونیان، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۳۳، سال نهم، ۱۳۸۴، ص ۲۵ الی ۳۷.

<sup>۲۱</sup> در شکل نقش صلیب درون یک دایره محیطی، دایره در آن نقش احتمالاً نماد جهان می‌باشد.

پادشاهی در قبل از مسیحیت، صلیب چوبی به صلیب سنگی تبدیل و بر پایه سنگی ساده‌ای استوار گردید.<sup>۲۲</sup>  
(اولوبابیان، ۱۳۸۴: ۲۵ - ۳۷)

حجاری صلیب که در آغاز به شکل صلیب سنگی مشابه صلیب چوبی و یا به صورت نقش صلیب با بازوهای مساوی درون دایره محیطی بود، در طول سده‌های چهارم تا ششم میلادی، مضمون تزئینی غالب در ارمنستان بود. صلیب سنگی در انتهای زیرین دنباله‌ای داشت که در فرورفتگی حفر شده بر قسمت فوقانی پایه‌ای حجیم قرار می‌گرفت.

صلیب درون دایره محیطی در واقع نوعی نقش تزئینی بر روی پایه یا ستون سنگی بود. از این آثار نمونه‌های بسیاری، بیشتر در محل‌های اولیه‌شان، به صورت ستون یادبود، سنگ مزار و جزییات نقوش تزئینی بناهای کلیسایی یا غیرکلیسایی برجای مانده است.

همانطور که اشاره شد پیشینه چلیپاسنگ‌های ارمنی به روزگار پیش از مسیحی شدن ارمنیان برمی‌گردد. در آن زمان نقش اژدها و دیگر موجودات افسانه‌ای را بر روی چوب می‌کنند. نخستین چلیپاسنگ‌های مسیحی بر روی چوب و سنگ از سده نهم میلادی در ارمنستان آغاز گشت و بیشتر آنها به عنوان یادمان برای رویدادهای کهن و مهم مسیحی ساخته می‌شدند. بر روی برخی از این چلیپاسنگ‌ها شرح رویدادهای مهم نگاشته شده است. مردم ارمنستان در اطراف برخی از چلیپاسنگ‌ها زیارتگاه‌هایی برپا کرده‌اند و برخی هم معجزاتی را به آنها نسبت می‌دهند.

چلیپاسنگ برای ارمنیان مسیحی حکم همان پیکر مقدس کاتولیک‌ها و شمایل ارتودوکس‌های یونانی را دارد. به جز نقش صلیب این سنگ‌ها نماد رنج مسیح و برخاستن او نیز هست. به علاوه چلیپاسنگ‌ها نماد درخت زندگی نیز هستند و این جنبه با آذین‌های برگ مانند روی آنها مشخص‌تر می‌گردد. باور مردم مسیحی بر آن است که جنس چوب صلیبی که عیسی بر آن مصلوب شد از جنس چوب درخت زندگی در باغ عدن می‌باشد.<sup>۲۳</sup> خاچکارها با توجه به هدف و تاریخ ساخت، از نظر اندازه و نوع نقوشها و تزئینات تفاوت‌هایی با هم دارند. در شهر جلفای قدیم برای موضوعاتی مانند ثبت پیروزی‌ها، برای بناهای جدید، ثبت خاطره‌های ملی، معرفی بانیان کلیساها و سنگ قبر شخصیت‌های مهم، ساخت خاچکار مرسوم بود.<sup>۲۴</sup> (بابایان، ۱۳۸۶: ۴۵)



چلیپاسنگی در صومعه هاغارتسین، نزدیک شهر دیلیجان ارمنستان. عکس از فصلنامه فرهنگی پیمان

<sup>۲۲</sup> اولوبابیان، باگرات، چلیپاسنگ یا خاچکار، ترجمه هاروتونیان، ادوارد، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۳۳، سال نهم، ۱۳۸۴، ص ۲۵ الی ۳۷.

<sup>۲۳</sup> باغ عدن، طبق شرحی که در بخش پیدایش در کتاب مقدس آمده جایی است که اولین انسان یعنی آدم و همسرش حوا بعد از خلق شدن توسط خدا آنجا زندگی می‌کردند. این باغ بخشی از داستان خلقت در ادیان ابراهیمی است. طبق داستان خلقت از کتاب عهد عتیق موقعیت جغرافیایی آن به رودی چهار شعبه شده (فیشون، جیحون، حدقل، فرات) و به مناطق حو یله، آشور و نود (قلب اتیوپی) مربوط می‌شود.

<sup>۲۴</sup> بابایان، آتی، هنرهای جلفای نو، فصلنامه فرهنگی پیمان - شماره ۴۰ - سال دهم - تابستان ۱۳۸۶.

از کاربردهای مهم چلیپاسنگ‌ها، یادبودنگاری است، که بر روی آن علت و شرایط برپا داشتن چلیپاسنگ، نام اشخاص سفارش دهنده و استادکار آن حک می‌شد. از این اطلاعات بیوگرافی چلیپاسنگ که اغلب با تاریخ مردم و وقایع مهم زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنان ارتباط دارد آشکار است که از این حیث، یک سند وقایع نگاری به شمار می‌رود.

برای تزئین خاچکارها از تصاویر مذهبی مانند تصاویری از زندگی عیسی مسیح، نقش‌های هندسی و تصاویری نظیر صلیب، خوشه انگور، برگ نخل، درخت زندگی، حیوانات، پرندگان اسطوره‌ای و واقعی که نماد تداوم زندگی و جاودانگی هستند، استفاده می‌کردند و معمولاً با نوشته‌هایی که هدف ساخت خاچکار، نام بانی و تاریخ ساخت آن را مشخص می‌ساخت همراه بودند. گاهی نیز بر روی خاچکارها دعا می‌نوشتند که این موضوع نشان از اهمیت و قداست این هنر را نزد مسیحیان ارمنی بازگو می‌کند. مهارتی که در ساخت و تزئین این خاچکارها به کار گرفته می‌شد از دو جهت اهمیت داشت؛ یکی اینکه زیبایی و هنر بکارگرفته در ساخت خاچکارها و استفاده از نقوش مقدس در آن اعتبار بسیاری برای آن ایجاد می‌کرد و دیگر اینکه از سنگینی وزن سنگ‌ها می‌کاست.<sup>۲۵</sup> (میکلوتچی، ۱۳۸۳: ۳۵)

خاچکارهای پیش از مسیحیت و حتی اوایل دوره مسیحیت بسیار ساده و بدون آرایه بودند اما از سده پنجم میلادی به بعد استادکاران و هنرمندان ارمنی با ورود عناصر هنری و آرایه‌ها به تدریج طرح‌های زیبایی را ارائه نمودند؛ مثلاً در بازوهای صلیب برگ‌های گیاه یا گلبرگ‌ها قرار گرفت و اغلب اشکال هندسی بر روی آن جاری می‌شدند، همچنین از دیگر ویژگی هنری آن دوره، جاری نقش صلیب با بازوهای نامساوی است که بر زمینه‌ای از نقش‌های متنوع گیاهان و قدسین جای گرفته و با استفاده از آرایه‌ها آن را تکمیل کرده‌اند.

در آثار دوران متأخر، صلیب با دایره محیطی اغلب در نقش‌های حاشیه‌ای چلیپا سنگ‌ها، بر مرکز سرستون‌ها، بر دیوارهای کلیساها و بر روی سنگ مزارها به منزله علامت پایان کار اثر به کار گرفته شده و به تنهایی کاربرد ندارد اما صلیب سنگی به صورت اثر جداگانه تا سده‌های متأخر نیز همچنان کاربرد داشته است و رشد و سیر تکامل آن را از نمونه‌های حفظ شده به خوبی می‌توان مشاهده نمود. با این وجود، چلیپاسنگ یا خاچکار به منزله پدیده‌ای ویژه در هنر معماری در سده‌های هشتم تا نهم میلادی بصورت استثنایی تکامل پیدا کرد.

بطوریکه در دوران حکومت خاندان باگراتونی (۸۸۵-۱۰۴۵م) بر سرزمین ارمنستان که دوره شکوفایی و فضای باز سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به شمار می‌رفت، هنر ساخت چلیپاسنگ نیز رشد چشمگیری داشته است. در این دوره است که معماری و جاری چلیپاسنگ سیمای نهایی خود را می‌یابد و به کمال می‌رسد به گونه‌ای که در مراحل بعدی شکوفایی با ظاهر کلاسیک و خصوصیات جا افتاده به حیات خود ادامه می‌دهد. چلیپاسنگ‌های نیمه دوم سده نهم میلادی به یقین واجد کلیه عناصر مهمی بودند که زمینه گسترش آنها در سده‌های بعد نیز فراهم شد. در این خاچکارها تخته سنگ با رویه مستطیل ساخته و بر پایه سنگی استوار گشته و رویه آن به سمت جنوب می‌باشد، سپس صلیبی بر روی آن کنده کاری شده و پیرامون آن نیز با آرایه‌هایی از اشکال هندسی و تصاویر گیاهان مزین می‌گردد. در این سده حاشیه چلیپاسنگ به تدریج دارای تنوع بیشتر و آرایه‌های ظریف‌تر می‌شود و شکل کامل و نهایی خود را به دست می‌آورد.

<sup>۲۵</sup> میکلوتچی، آلساندرو، سنگ‌هایی بر دل، ترجمه سینار گلریز، فصلنامه فرهنگی پیمان - شماره ۲۷ - سال هشتم - بهار ۱۳۸۳

ویژگی‌های مهم چلیپاسنگ‌ها را می‌توان به شرح زیر چنین برشمرد، چلیپاسنگ همانند آثار یادبود سنگی پیش از خود دارای یک پایه سنگی است که روی آن تخته سنگی با تناسب‌های ویژه می‌نشیند. نسبت بلندی تخته سنگ به پهنای آن دو برابر و بیشتر است. مرکز تخته سنگ جایگاه نقش چلیپاست که روی یک ترنج نقش‌دار یا آرایه پله‌ای قرار می‌گیرد. همه اینها در یک قاب مستطیلی مرکب از نقش‌های درهم بافته بسیار متنوع جای گرفته‌اند که جزییات هنری اثر را در برمی‌گیرد. قسمت بالای تخته سنگ، با آرایه متفاوتی از قاب مستطیلی جدا می‌شود و برای هدف دیگری اختصاص می‌یابد. اینجا، در میان آرایه‌های به هم پیچیده و در هم بافته، نوشتار اصلی چلیپاسنگ حجاری می‌شود و یا آرایه‌های دیگر در آن جای می‌گیرند. اغلب تمثال‌های مسطح یا حتی برجسته حجاری شده، بیشتر معرف خداوند، عیسی مسیح، مریم مقدس، قدیسان یا سفارش دهندگان روحانی و غیر روحانی اثر می‌باشند. در بعضی آثار خاچکار، بر روی پایه‌ها نیز پرداخت و حجاری شده است و سطوح خالی آنها برای ثبت یادبودها به کار گرفته می‌شوند. البته، جایگاه سنتی یادبودها پشت تخته سنگ است ولی اغلب اتفاق می‌افتد که بخش‌هایی از نوشتار، تاریخ بنا و نام استادکار همراه با نوشتار اصلی نمی‌آیند بلکه زیر بازوهای صلیب، درون ترنج پایه حجاری می‌شوند. چلیپاسنگ‌ها معمولاً از سنگ‌های قهوه‌ای که به آسانی حجاری می‌شوند و ظرایف بسیاری را می‌توان بر روی آنها کنده‌کاری کرد، ساخته شده‌اند.

چلیپاسنگ‌ها را در اماکن مقدس، گورستان‌ها، حاشیه جاده‌ها و گاه بر صخره‌ها و تپه‌ها قرار می‌دادند. چلیپاسنگ جاسازی شده در دیوارها تقدس ویژه‌ای داشت و برای آن گودی مناسب در دیوار مشخص می‌گردید و با شکوه خاصی از تزئینات در آن استفاده می‌شد که این موضوع نشان دهنده تقدس بنا بود.

به طور کلی، در بناهای مهم معماری و بویژه در کلیساها، حجاری نقش صلیب کاربرد فراوان داشت و آن را بر بالای درگاه‌ها، بر نماهای مهم و بر همه کلیساهایی که نامشان « نشان مقدس » بود قرار می‌دادند. چلیپاسنگ‌های بدون سنگ نوشته هم وجود دارند که به لحاظ دارا بودن تمثال‌های قدیسان، به ویژه تصاویر مصلوب شدن حضرت مسیح، تقدیس شده و به آنها قدرت درمان بیماری‌ها، نجات از نیروهای اهریمنی و دفع شر نسبت داده‌اند.

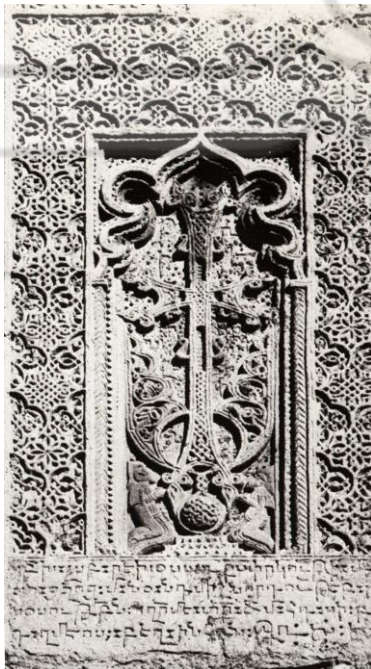
در اینجا تعدادی از خاچکارهای کلیسای سنت استپانوس مقدس به همراه سنگ نوشته آن که به خط ارمنی باستان می‌باشد ترجمه و معرفی می‌گردد. تاریخ این چلیپاسنگ‌ها به قبل از مرمت‌کاری کلیسا در قرن ۱۷ میلادی برمی‌گردد و در حیاط جنوبی این کلیسا یافت شده‌اند، در قسمت زیر به شرح مختصری از آنان می‌پردازیم:

الف) خاچکار و سنگ نوشته حیاط جنوبی، ترجمه: « بعد از میلاد مسیح در سال ۱۴۴۶، این صلیب با میانجی‌گری گریگور واردپت برپا شد ». این قدیمی‌ترین نوشته‌ای می‌باشد که هنوز در معبد سنت استپانوس وجود دارد. این صلیب یاد آورنده گریگور واردپت است که قبلاً توسط دیگر منابع به عنوان گریگوری آکنس شناخته شده بود.



خاچکار و سنگ نوشته حیاط جنوبی، عکس از نگارنده

ب ( خاچکار و سنگ نوشته ضلع شرقی حیاط جنوبی که در قسمت سمت راست بالای ایوان مرکزی قرار دارد، این خاچکار زیبا در دیوار سنگی ورودی مورد استفاده قرار گرفته است. عکس دو فرد ملتمس که احتمالاً راهب بودند در پایین صلیب دیده می‌شود. در گوشه بالای صلیب تاریخ حک شده ( ۱۵۹۸ بعد از میلاد مسیح) را نشان می‌دهد. در گوشه پایین آن، حروف خاصی قابل خواندن می‌باشد ولی تا کنون معنایی از آن ترجمه نشده است و شاید نماد اسم یک هنرمند باشد. با توجه به نوشته‌های روی صلیب، باید توجه شود که واژه ( mata celoc ) در خط دوم باید ( matuceloc ) به معنای "کسانی که نزدیک می‌شوند" باشد زیرا با متن همخوانی بیشتری دارد.<sup>۲۶</sup> ( Hofrichter, 1980:16 ) در این چلیپاسنگ از شخصی با نام « بارتوسیمیوس » یاد شده که احتمالاً به عنوان اهدا کننده معرفی شده است و همچنین ذکر شده فردی احتمالاً همنام او در چهل سال قبل کتاب سرود مقدس را در صومعه از او کپی کرده و نوشته است.



خاچکار، ضلع شرقی حیاط جنوبی کلیسا، عکس از کتاب Hofrichter

<sup>26</sup> - Hofrichter, 1980, pag16



متقارن با این خاچکار، در طرف دیگر ایوان بزرگ، صلیبی به همین سبب وجود دارد اما نوشته‌های آن پاک شده و قابل خواندن نیست و تنها چیزهایی که از آن دیده می‌شود تعدادی تاریخ در سمت چپ آن است که تاریخ « ۱۶۳۳ میلادی » را نشان می‌دهد.

ج ( خاچکار و سنگ نوشته نمای غربی کلیسا، روی خاچکار به سمت چپ تورفتگی و زیر باند تزئینی این جمله حک شده است: « این علامت خداوند است که با میانجی‌گری مسیح برای نجات ترسا رجیس که فردی مذهبی بوده بوجود آمده است » و تاریخ آن « ۱۵۹۰ بعد از میلاد می‌باشد » و در واقع یاد آورنده سنگ تراش معروف، کشیش گریگور است.

این خاچکار زیبا از سنگ ریز بافت ساخته شده است و به همراه یک تزئین کامل کل سطح را در بر گرفته است. نوشته روی آن با یک قلم حکاکی و تراش داده شده و از حروف زیادتری تشکیل شده است. این اثر یادبود از سارجیس وارداپت کشیش و گریگور کشیش می‌باشد.



خاچکار، ضلع غربی کلیسا، عکس از کتاب Hofrichter

د) خاچکار و سنگ نوشته نمای غربی، در سمت راست بالای ایوان ورودی: « این صلیب مقدس یادگاری باباجان، پسر خوجا اروپ می‌باشد » (در سال ۱۶۶۸ میلادی).

مطلوب است این صلیب را به نوشته‌های خاچکار قبل از قرن ۱۸ بیافزاییم، که اکنون در نعل درگاه ایوان ورودی یافت می‌شود. بنابراین آنچه متن می‌گوید باید صلیبی دیگر به همراه نوشته باشد اگرچه در حال حاضر ناپدید است.<sup>۲۷</sup> (Hofrichter, 1980:16)

با این حال، به جای یک خاچکار، این صلیب یک برش عرضی در سنگ است یعنی از همان نوع‌هایی که در قسمت جنوبی کلیسا دیده می‌شود. یعنی جائیکه تعدادی از سنگ نوشته‌ها در کنار هم قرار گرفته‌اند و به عنوان پایه‌هایی برای کتیبه‌ها می‌باشند.

<sup>27</sup> - Hofrichter, 1980, pag16



خاچکار و سنگ نوشته نمای غربی، عکس از نگارنده

کتیبه‌ها تاریخ ۱۶۶۸ میلادی را نشان می‌دهد و چون کار مرمت سازی در سال ۱۷۰۴ میلادی بوده است، دیگر کتیبه‌ها یا همزمان یا بعد از تاریخ فوق بوده‌اند. این امر از طریق مقایسه برش‌ها و سنگ‌ها نیز امکان پذیر است.

#### نتیجه

در اعتقادات ارمنیان مسیحی چلیپاسنگ‌ها دارای تقدس بودند و مسیحی واقعی به این آثار دست درازی نمی‌کرد ولی برای غیرمسیحی روشن است که نه قانون مدونی وجود داشت و نه بیم از تنبیه الهی نقشی می‌توانست داشته باشد. بنابراین، اگر گاهی در نوشته رویه چلیپاسنگ نیز به نفرین و یا تهدیدی بر می‌خوریم بنا به درخواست سفارش دهنده بوده است. همچنین این اعتقاد وجود داشت که چلیپاسنگ از تعرض مصون خواهد ماند و به شیئی مقدسی تبدیل خواهد شد که مردم در برابر آن لب به دعا می‌گشایند. بنابراین، از دعاکنندگان درخواست می‌شد که در دعاهای خود سازندگان چلیپاسنگ یعنی سفارش دهنده، استادکار و خویشان آنان را یاد کنند.

سنگ نوشته چلیپاسنگ بیش از همه در برابر نیروهای مخرب طبیعی آسیب پذیر بود زیرا نوشته‌ها اغلب بر بدنه هموار پایه حجاری می‌شدند و این قسمت در برابر باد و باران و سرما و آفتاب بیش از دیگر قسمت‌های چلیپاسنگ که پیش آمدگی قرنیز سنگی آن را محافظت می‌کرد آسیب می‌دیدند. از سوی دیگر از نقش‌های کم و بیش آسیب دیده و فرسایش یافته شکل اولیه چلیپاسنگ قابل تجسم است ولی سنگ نوشته آسیب دیده را دیگر نمی‌توان بازخوانی کرد. به همین سبب است که از چلیپاسنگ‌های بازمانده از هزاره نخست میلادی تعداد اندکی دارای سنگ نوشته و تاریخ می‌باشند.

چلیپاسنگ بخشی جدایی ناپذیر از هنر حجاری است که ارمنیان با خلق آنها احساسات مذهبی خود را با بهره‌گیری از نقوش و طرح‌های بسیار زیبا و اصیل ارمنی و با سلیقه‌های بی‌مانند بیان کرده‌اند. این هنر به منزله هنر خاص ارمنیان توانسته است جای خود را در میان انواع هنرهای موجود در جهان باز کند.<sup>۲۸</sup> (مشکنبریانس، ۱۳۸۸: ۵۵)

در چلیپاسنگ‌های جلفای قدیم و در کلیسا سنت استپانوس مقدس، تأثیر هنر تزیینی ایرانی کاربرد بسیاری داشته است. در واقع ویژگی‌های چلیپاسنگ‌های جلفای قدیم آنها را به منزله آثار

<sup>۲۸</sup> مشکنبریانس، ژیلبرت، گنجینهٔ اجمیادزین، فصلنامه فرهنگی پیمان - شماره ۵۰ - سال سیزدهم - زمستان ۱۳۸۸

ویژه و متعلق به یک مکتب متعالی متمایز می‌کنند اما این مکتب به طور قطع با الهام از سابقه هنری قبلی استوار بوده است.

چلیپاسنگ که در محیط فرهنگی ارمنستان در دوران اولیه مسیحیت، به منزله میراث دار و ادامه دهنده منطقی حجاری آثار یادبود دوران باستان، متولد شده بود در گذر قرن‌ها رشد کرد و تکامل یافت و به یکی از شکوهمندترین جلوه‌های هنرهای زیبا تبدیل شد و به منزله اثر خاص ارمنیان، با نمونه‌های بی‌همتا گنجینه‌های فرهنگ هنری انسان متمدن را غنی‌تر کرد.



## منابع و ماخذ

۱. آراکلیان، واروژان، "تاریخچه و روند شکل‌گیری بناهای مذهبی ارمنیان در ایران"، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ۷-۱۲ اسفند ۱۳۷۴، جلد سوم، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵، ص ۴۲۹ الی ۴۴۱.
۲. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۱، ۱۳۴۰، ص ۱۵۹.
۳. مشکنبریانس، ژیلبرت، گنجینهٔ اجمیادزین، فصلنامه فرهنگی پیمان - شماره ۵۰ - سال سیزدهم - زمستان ۱۳۸۸.<sup>۱</sup>
۴. میکلوچی، آلساندرو، سنگ هایی بر دل، ترجمه سینار گلریز، فصلنامه فرهنگی پیمان - شماره ۲۷ - سال هشتم - بهار ۱۳۸۳.
۵. بابایان، آنی، هنرهای جلفای نو، فصلنامه فرهنگی پیمان - شماره ۴۰ - سال دهم - تابستان ۱۳۸۶.
۶. کلایس، ولفرام، ترجمه نجد سمیعی، فرامرز، "معماری اورارتویی"، فصلنامه علمی ترویجی اثر، دوره ۱۷، شماره ۲۶ و ۲۷، سال ۶-۱۳۷۵، ص ۸۶.
۷. افشار سیستانی، ایرج، نگاهی به آذربایجان غربی، جلد اول، تهران، موسسه انتشاراتی و آموزشی نسل دانش، ۱۳۶۹.
۸. اولوبابیان، باگران، "چلیپاسنگ یا خاچکار"، ترجمه ادوارد هاروتونیان، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۳۳، سال نهم، ۱۳۸۴، ص ۲۵ الی ۳۷.
۹. پاسدر ماجیان، هراند، تاریخ ارمنستان، زرین، تهران، ۱۳۷۷.
۱۰. جکسن، ویلیامز، ابراهام و، سفرنامه جکسن ایران در گذشته و حال، مترجمان منوچهر امیری و فریدون بدره ای، خوارزمی، ۱۳۵۲.
۱۱. الچیبگیان، ژاسمن، ارمنستان و سلوکیان، ترجمه گارون سارکسیان، نائیری، تهران، ۱۳۸۲.
۱۲. حسرتیان، مورو، "ایران و ارمنستان در روزگاران گذشته"، ترجمه کارو سارکسیان، فصلنامه پژوهشی ایرانشناسی و ارمنی شناسی آپاگا، شماره ۱-۲، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۶ الی ۱۸.
۱۳. خاماچی، بهروز، فرهنگ جغرافیایی آذربایجان، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۱.
۱۴. دورانت، ویل، تاریخ تمدن عصر ایمان، ترجمه پرویز داریوش، جلد سوم، انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
۱۵. رابرتسون، آرچیبالد، عیسی اسطوره یا تاریخ، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸.
۱۶. سیستانی، ایرج، "کلیسای استپانوس قدیس"، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۹-۱۰، سال ۱۳۷۸، ص ۷۴ الی ۸۲.
۱۷. سیمونی، پیونیک، "مجموعه رهبانی استپانوس قدیس در متن معماری کلیسای ارمنی"، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۵۲، سال ۱۳۸۹، ص ۹۱ الی ۱۱۹.
۱۸. قدیانی، عباس، تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، انیس، ۱۳۷۴.
۱۹. کارنگ، عبدالعلی و جمال ترابی طباطبایی، "کلیسای سن استپانوس"، مجله بررسی های تاریخی، سال ۹، شماره ۱، فروردین-اردیبهشت ۱۳۵۳، ص ۱۶ الی ۲۸.
۲۰. کاکس، هاروی، مسیحیت، ترجمه سلیمانی عبدالرحیم اردستانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸.
۲۱. ماروتخانیان، ژنیا، "نقوش تزئینی ارمنی"، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۲۶، سال ۱۳۸۲، ص ۳۶.
۲۲. مخلصی، محمد علی، فهرست بناهای تاریخی آذربایجان. تهران سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۱.
۲۳. میلر، و.م، تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ترجمه علی نخستین، اساطیر، ۱۳۸۲.
۲۴. نفیسی، سعید، مسیحیت در ایران تا صدر اسلام، اساطیر، ۱۳۸۳.
۲۵. هوسپیان، شاهن، "نگاهی مختصر به تاریخ کلیسای ارمنیان"، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۲۷، سال ۱۳۸۳، ص ۵۲.
۲۶. هویان، آندرانیک، "کلیسای استپانوس مقدس"، مجله ایران زمین، سال ۲، شماره ۴-۵، تابستان ۱۳۷۲، ص ۱۸ الی ۳۳.
۲۷. هویان، آندرانیک، آیین ها و مراسم سنتی ارمنیان ایران، نشر فضا، تهران، ۱۳۸۶.
۲۸. هویان، آندرانیک، ایرانیان ارمنی، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.
۲۹. هویان، آندرانیک، کلیساهای مسیحیان در ایران زمین، اداره کل امور فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.
30. Hofrichter, Hartmut, Il convent di S.Stefano The St.Stephen monastery, 1980
31. Encyclopedia Britannica, book 12, 1995

## **Decorative review khachkars (cross stones) in Architecture St. Stephanos Church Jolfa**

St. Stephanos Church of the Holy at sixteen kilometers West of the city of Jolfa, East Azarbaijan province located near the Aras River. The church is one of the most beautiful and famous churches of Armenians in the world in terms of decoration and architecture of the buildings is worth Iran.

According to various aspects of art that expresses style architecture of the church is Urartu, has been tried in this article With the introduction of art carved khachkars (cross stones), The description of the art and according to some translations of the texts engraved on the monuments of historical importance to be addressed. Methods of this research is descriptive analysis using historical data, library resources, documents, inscriptions, images and field observations have been collected and analyzed.

### **Keywords:**

Khachkar, Urartu architecture, Saint Stephanos Monastery, Darashamb, Julfa.

